



مفسران برگزیده خدا پس از پیامبر (ص) و گستره دانش تفسیری آنان*

□ حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی
استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

قرآن کریم کلام پروردگار متعال و دارای محکم و متشابه و ظاهر و باطن است و برای دستیابی به بخشی از معانی باطنی و معارف عمیق آن، نیازمند به تبیین نبی اکرم (ص) است. از این رو، یکی از شئون آن حضرت تبیین و تفسیر قرآن کریم بوده است. ولی آیا خدای متعال پس از رسول خدا (ص) نیز برای کتابش مفسرانی را برگزیده است تا معانی باطنی و معارف عمیق آیات را برای بندگانش بیان کنند یا خیر؟

در این مقاله با استناد به آیات و روایات اثبات می شود که بعد از رسول خدا (ص) نیز دوازده نفر از اهل بیت آن حضرت، مفسران برگزیده خدا و مصون از خطا بوده اند و هر معنایی را که برای آیات بیان کرده اند حق، مطابق با واقع و عیناً همان معنایی است که خدای متعال از کتابش اراده فرموده است. سپس به نمونه ای از تفسیر آنان اشاره شده و به این نکته توجه داده می شود که بخش عظیمی از تفسیرهای آنان به ما نرسیده است و بخشی از تفسیرهایی که از آنان نقل و به ما رسیده است، سند معتبر ندارد. ولی دانش و توان تفسیری آنان، از آثار تفسیری نقل شده از آنان و حتی از تفسیرهایی که بیان کرده اند و به ما نرسیده است، بسیار عمیق تر و گسترده تر است.

کلید واژه ها: تفسیر قرآن، شیعه، مفسران برگزیده خدا، دانش تفسیری امامان معصوم.

طرح مسئله

معارف، علوم و احکامی که قرآن بر آن دلالت یا اشارت دارد، از جهت ظهور و خفای دلالت آیات و سهولت و صعوبت فهم آن از الفاظ و عبارات سطوح و مراتب مختلفی دارند. فهم مرتبه‌ای از معانی و اندرزهای آن برای همگان آسان است و آیه «ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» (قمر: ۴، ۳۲، ۲۲، ۱۷) و نظائر آن (دخان: ۵۸؛ مریم: ۹۷) به این مرتبه اشاره دارد. مرتبه‌ای از معانی و معارف آن را نیز کسانی که مقدمات لازم و علوم پیش نیاز تفسیر را تحصیل کرده باشند، می‌توانند تفسیر و تبیین کنند و تفاسیری که تاکنون برای قرآن کریم نوشته‌اند و بخشی از معانی و مطالب آن را تفسیر کرده‌اند گواه این مدعاست. آیاتی مانند «کتاب أنزلناه إلیک مبرک لیدبروا آیاته ولیتذکر أولوا الالباب»: (۲۹)، «أفلا یتدبرون القرآن أم علی قلوب أقفالها» (محمد: ۲۴) به فهم این مرتبه ترغیب می‌کند. برای رسیدن به مرتبه‌ای از معانی پنهان و معارف عمیق آن و روشن شدن قیود و جزئیات احکامی که در آن سربسته بیان شده به تعلیم و تبیین پیامبر اکرم (ص) نیاز است. آیاتی مانند «...وأنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم...» (نحل، ۴۴) «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم وعلّمهم الکتب والحکمة...» (جمعه: ۲) دلالت می‌کند که خدای متعال یکی از رسالت‌های پیامبر (ص) را تبیین و تعلیم قرآن کریم قرار داده است. از این رو، می‌توان عنوان «مفسر برگزیده خدا» را در مورد آن حضرت به کار برد.

این مطلب روشن و مورد اتفاق مسلمانان است، ولی آیا بعد از رسول خدا (ص) نیز مفسرانی برگزیده خدا، آگاه به همه معانی قرآن، توانا بر تفسیر تمام آیات و معانی و معارف آن وجود داشته‌اند که هر تفسیر و معنایی را که برای آیات بیان کنند

مطابق واقع و مورد تأیید و امضای خدای متعال باشد یا خیر؟ در این مطلب اختلاف وجود دارد؛ شیعه به آن اعتقاد دارد و اهل تسنن مخالف آن است. این مقاله در تحقیق این مسئله فراهم آمده است و مطالب آن در دو محور بیان می‌شود:

۱. مفسران برگزیده خدا پس از پیامبر(ص)

۲. گستره دانش تفسیری مفسران برگزیده

۱. مفسران برگزیده خدا پس از پیامبر(ص)

شیعه با استناد به نصوص فراوانی که در کتابهای شیعه و سنی نقل شده، بر این باورند که پیامبر(ص) به فرمان خدا دوازده نفر را به عنوان جانشینان خود و رهبران امت معرفی کرده است. آنان به همه معانی و معارف قرآن و احکام دین آگاه و از هر گناه و خطایی مصون بوده‌اند. خدا آنان را برگزیده است تا پس از پیامبر(ص) کارهای آن حضرت را، به جز دریافت وحی نبوت که دیگر به آن نیازی نیست، عهده دار شوند. یکی از آن کارها تفسیر و تبیین قرآن کریم است که آنان پس از پیامبر(ص) عهده‌دار آن شده‌اند. آنان همانند پیامبر(ص) بر تفسیر همه آیات قرآن توانا و در فهم معنا و مفاد آیات از هر خطایی مصون بوده‌اند و تفسیر و تبیینهای آنان راجع به آیات قرآن همانند تفسیر و تبیینهای پیامبر، مطابق واقع و مورد تأیید و امضای خدای متعال است. به خلاف شیعه، اهل تسنن چنین اعتقادی ندارند و آنان را مفسران برگزیده خدا نمی‌دانند، از میان آنان فقط امام علی(ع) را از مفسران صحابه به شمار می‌آورند و سایر امامان معصوم را حتی در شمار مفسران نیز ذکر نکرده‌اند. (سیوطی، الاتقان ۱۴۰۷؛ ۱۲۲۷/۲ - ۱۲۳۵؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون بنی‌تا: ۶۳/۲ - ۱۲۷).

بر اعتقاد شیعه به وجوهی می‌توان استدلال کرد:

الف) حکمت خدا و نصوص امامت

افرادی که با عظمت قرآن و تفسیرهایی که برای آن پدید آمده آشنا باشند، به خوبی می‌دانند هرچند مفسران در تفسیر بیشتر آیات با تلاش علمی و تدبر و تبیین و توضیح مناسب، مرتبه‌ای از معانی و معارف قرآن را آشکار کرده‌اند، اما هیچ مفسری تا کنون نتوانسته است همه معانی و معارف قرآن را آشکار کند و مراتب ناشناخته آن هنوز هم بسیار است. در روایتی از امام باقر(ع) آمده که فرموده است: «ما يستطيع احد ان يدعي ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الاوصياء (کلینی، اصول الکافی ۱۴۱۳: ۱/ ۲۸۶)؛ هیچ‌کس غیر از اوصیا نمی‌تواند ادعا کند همه قرآن، ظاهر و باطن آن، در نزد اوست.»

افزون بر این، موارد بسیار زیادی وجود دارد که حتی مفسران قوی در بیان معنای آیات اختلاف کرده‌اند و در تفسیر بسیاری از آیات با ذکر وجوه و اقوال مختلف گذشته، حداکثر بعضی از وجوه را براساس حدس و گمان و بدون مستند معتبری بر وجوه دیگر ترجیح داده‌اند. با توجه به این نکته پی می‌بریم که افراد عادی هر چند از رتبه علمی بالایی برخوردار باشند، توان تفسیر همه معانی و معارف قرآن را ندارند و برای تحقق اهداف قرآن کریم به مفسرانی نیاز است که از دانشی ویژه، فوق دانشی که از طریق عادی برای بشر قابل تحصیل است، برخوردار باشند و توان فهم و تفسیر همه معانی و معارف قرآن کریم را داشته و برگزیده خدا و معرفی شده رسول خدا باشند تا معانی واقعی قرآن از طریق تفسیر آنان به دست آید و در موارد اختلاف با اطمینان خاطر به بیان آنان اعتماد شود. با توجه به اینکه در قرآن احکام دین به صورت کلی و سر بسته بیان شده و کیفیت و جزئیات آن بیان نشده است و بر حسب روایات متواتر مورد اتفاق شیعه و سنی، در قرآن کریم معارف باطنی و عمیقی نهفته است که از طریق عادی و با روش معمول عقلا در فهم متون قابل درک نیست، نیاز به آن مفسران برگزیده و ضرورت وجود آنان آشکارتر می‌شود. بنابراین،

حکمت خدای متعال اقتضا می‌کند که برای هر عصری مفسری آگاه به همهٔ احکام و معارف قرآن و توانا بر تفسیر همه معانی ظاهر و باطن آن برگزیند و آنان را به وسیلهٔ پیامبرش به انسانها معرفی کند، زیرا در غیر این صورت غرض خدای متعال از نزول قرآن به طور کامل تحقق نمی‌یابد و نقض غرض بر خدای حکیم محال است.

البته استفادهٔ کامل انسانها از آن مفسر برگزیده و یا دسترسی به او به نوع رفتار انسانها بستگی دارد، اگر آن مفسر حاضر باشد و انسانها به او مراجعه نکنند و یا افراد ظالم مانع استفاده از او شوند و یا اعمال انسانها و یا علل دیگری که به خود انسانها بر می‌گردد مانع حضور و ظهور آن مفسر شود، این نقض غرض از جانب خدا نیست که با حکمت او ناسازگار باشد.

با این بیان پی می‌بریم که وجود چنین مفسرانی در هر زمان حتمی است و بر اهل ایمان و معتقدان به قرآن لازم است که آنها را بشناسند و از طریق آنان به کیفیت و جزئیات احکام قرآن و معانی باطنی و غیر آشکار آن آگاهی یابند. با رجوع به نصوص امامت (مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۲۲۶۳۶-۳۷؛ بخاری، صحیح البخاری ۱۴۰۶: ۱۲۷/۸؛ نیشابوری، صحیح مسلم بی تا: ۶۳، ۴؛ ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل بی تا: ۸۶۵-۹۰، ۹۲-۹۴، ۹۷-۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸؛ سجستانی، سنن ابی داود ۱۴۱۰: ۳۰۹/۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین بی تا: ۶۱۸ ۳/۶۱۷) معلوم می‌شود که بعد از رسول خدا(ص) مفسران برگزیده همان دوازده نفری هستند که پیامبر(ص) به فرمان باری تعالی آنان را جانشین خود قرار داده و به امت معرفی کرده است و یکی از ابعاد جانشینی آنان از رسول خدا(ص) تبیین و تفسیر قرآن است.

ب) حدیث ثقلین

حدیث ثقلین که در بسیاری از کتابهای روایی و تفسیری شیعه و سنی آمده^(۱) و

سند آن متواتر و صدور آن از پیامبر (ص) قطعی است، با عبارتهای مختلف نقل شده و سر آن این است که پیامبر اکرم (ص) در مکانهای مختلف و در موارد متعدد با عبارتهای مختلف محتوای این حدیث را به امت گوشزد کرده است. یکی از عبارتهای آن چنین است:

«انی تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا كتاب الله و عترتي اهل بيتي و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» (حرعاملی، وسائل الشیعة ۱۳۷۶: ۱۹/۱۸، حدیث ۹؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعة ۱۳۹۹: ۲۰۰/۱، حدیث ۳۰۲؛ حرعاملی، اثبات الهداة بی تا: ۶۰۸/۱، حدیث ۵۹۹)؛ همانا من در میان شما دو چیز گران قدر می گذارم که اگر به آن دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم، و به راستی آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.^(۲)

جمله «انهما لن يفترقا...» به مثابه دو گزاره است: ۱. آنان از قرآن جدا نمی شوند. ۲. قرآن از آنان جدا نمی شود. از این دو گزاره، دو ویژگی برای اهل بیت و عترتی که در این حدیث منظور است، استفاده می شود: ۱. آگاه بودن آنان به همه معانی و معارف قرآن؛ زیرا جدا نشدن قرآن از آنان به این است که قرآن با همه معانی و معارف در نزد آنها باشد؛ اگر قسمتی از معارف آن را ندانند، آن قسمت از آنان جدا شده است و حال آنکه پیامبر (ص) جدایی قرآن از آنان را نفی کرده است.

۲. مصونیت آنان از هوا و خطا؛ زیرا جدا نشدن آنان از قرآن به این است که دانش، اندیشه و رفتار آنان به تمامی مطابق قرآن باشد و این مستلزم مصونیت آنان از هوا و خطاست زیرا اگر جز این باشد، جدا نشدن آنان از قرآن تحقق نمی یابد. این ویژگی از جمله «ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابدا» نیز به دست می آید؛ زیرا اگر عترت از هوا و خطا مصون نباشند، تمسک به آنان بازدارنده از گمراهی نخواهد بود.

با توجه به اینکه همه اهل بیت و عترت رسول خدا(ص) دارای این دو ویژگی نیستند، معلوم می‌شود که مراد از عترت و اهل بیت در این حدیث، مطلق کسانی که از نظر عرفی و بر حسب معنای لغوی عترت و اهل بیت آن حضرت به شمار می‌آیند نیست، بلکه افراد خاصی که دارای ویژگی‌های یادشده باشند، منظور است و آن افراد را باید از طریق معرفی رسول خدا(ص) شناخت. در شماری از روایات، آن افراد همان دوازده امام معصوم معرفی شده‌اند؛ (جوینی، فرائد السمطين ۱۳۹۸: ۱/ ۳۱۲-۳۱۸؛ حرعاملی، اثبات الهداة بی تا: ۱/ ۴۸۹ حدیث ۱۶۶، ۴۹۹ حدیث ۲۰۸، ۵۰۸-۵۰۹ حدیث ۲۲۷ - ۲۲۸؛ صدوق، معانی الاخبار ۱۳۶۱: ۹۰ (باب معنی الثقلین، العتره، حدیث ۴)؛ قندوزی، ینابیع الموده ۱۳۸۵: ۲/ ۸۵؛ صدوق، کمال الدین بی تا: ۱/ ۲۴۰، ب ۲۲، حدیث ۶۴؛ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع) ۱۴۰۴: ۲/ ۶۰، ب ۶، حدیث ۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۲۳/ ۱۴۷، حدیث ۱۱۰).

از این رو، می‌توان گفت: حدیث ثقلین یکی از دلایل حقانیت این اعتقاد شیعه است؛ زیرا به خوبی دلالت دارد که دوازده نفر از اهل بیت خاص پیامبر(ص) به همه معانی قرآن آگاه و از گناه و خطا مصون بوده‌اند و پیامبر(ص) تمسک به آنان را همراه با تمسک به قرآن شرط مصون ماندن از گمراهی بیان فرموده‌اند. و با توجه به اینکه سخن و بیان پیامبر(ص) بدون اذن خدا نیست: «وما ینطق عن الهوی إن هو إلا وحی یوحی» (نجم: ۳-۴). می‌توان آنان را مفسران برگزیده خدا برای قرآن کریم دانست.

ج) روایات صریح

روایات دیگری نیز با صراحت دلالت دارد که دوازده امام یاد شده مفسران برگزیده خدا و معرفی شده رسول خدا(ص) بوده‌اند. برخی از آن روایات در خصوص حضرت علی(ع) و برخی در مورد همه دوازده امام است.

روایات مخصوص حضرت علی (ع) نیز بر دو دسته است: برخی بیانگر آن است که آن حضرت برگزیده خدا بوده است و برخی چاکی از آن است که رسول خدا (ص) آن حضرت را به عنوان مفسر و مبین قرآن و کسی که به ظاهر و باطن و محکم و متشابه قرآن آگاه است، به امت معرفی کرده و آنان را برای فراگیری علم قرآن به او ارجاع داده است. در اینجا برخی از روایاتی را می آوریم که دلالت دارد آن حضرت مفسر برگزیده خدا بوده است.

صدوق (ره) با سند متصل از امام رضا (ع) از پدرانش، از پیامبر، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از خدای متعال چنین روایت کرده است: «انا الله لا اله الا انا، خلقت الخلق بقدرتی فاخترت منهم من شئت من انبیائی و اخترت من جمیعهم محمداً حبیباً و خلیلاً و صفیاً فبعثته رسولاً الی خلقی و اصطفیت له علیاً فجعلته له اخیاً و وصیاً و وزیراً و مؤدیاً عنه بعده الی خلقی و خلیفتی علی عبادی لیبین لهم کتابی...» (صدوق، الأمالی ۱۴۱۷: ۲۹۱، مجلس، ۸۹، حدیث ۱۰؛ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع) ۱۴۰۴: ۵۳/۱؛ حویزی، نورالثقلین ۱۴۱۲: ۱/۱؛ ۴۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۹۸/۳۸، حدیث ۱۷)؛ من الله هستم که معبودی جز من نیست؛ آفریدگان را به قدرت خویش آفریدم و هر کس از پیامبرانم را که خواستم از میان آنان اختیار کردم و از جمیع آنان محمد را به عنوان حبیب و خلیل و صفی برگزیدم و او را با عنوان رسول به سوی خلقم مبعوث کردم و علی را برای او برگزیدم و او را برادر، وصی و وزیر او و پیام رسان او به مردم بعد از او و خلیفه خود بر بندگاتم قرار دادم تا کتابم را برای آنان تبیین کند...»

در ضمن حدیثی که بیانگر پرسشهای خدای متعال از پیامبر (ص) در صحنه قیامت است، آمده است:

«فیقول الله لمحمد فهل استخلفت فی أمتک من بعدک من یقوم فیهم بحکمتی و علمی

و یفسر لهم کتابی و یبین لهم ما یختلفون فیه من بعدک حجة لی و خلیفة فی الارض؟
فیقول محمد: نعم، یا رب قد خلفت فیهم علی بن ابی طالب أخی و وزیری و خیر
أمتی و نصبته لهم علماً فی حیاتی و دعوتهم إلی طاعته و جعلته خلیفتی فی أمتی» (قمی،
تفسیر القمی ۱۴۰۴: ۱/ ۱۹۲-۱۹۳؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۷/ ۲۸۲)؛

خدا به محمد(ص) می‌فرماید: آیا در امت خود کسی را جانشین کردی که پس
از تو حکمت و علم را در بین آنان بر پا و کتابم را برای آنان تفسیر کند و آنچه را
بعد از تو در آن اختلاف می‌کنند به عنوان حجت و خلیفه من در زمین برای آنان
تیین نماید؟ محمد(ص) می‌فرماید: آری، ای پروردگار من، علی بن ابی‌طالب برادر،
وزیر، وصی و بهترین امتم را در بین آنان جانشین کردم.»

اما نمونه‌ای از روایاتی که دلالت می‌کنند پیامبر اکرم(ص) حضرت علی(ع) را به
عنوان مبین و مفسر قرآن و آگاه به ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن به امت
معرفی کرده، چنین است:

از رسول خدا(ص) روایت شده است:

ای گروههای مردم، در قرآن تدبیر کنید و آیات آن را بفهمید؛ به محکومات آن نظر
کنید و از متشابه آن پیروی نکنید؛ به خدا سوگند فقط کسی نواهی آن را برای شما
تیین می‌کند و تفسیر آن را برای شما روشن می‌سازد که من دستش را گرفته‌ام و او
را به نزد خود بالا آورده‌ام و بازویش را بالا گرفته به شما اعلام می‌کنم که هر کس
من مولای اویم، او نیز مولای اوست و او علی بن ابی‌طالب برادر و وصی من
است.» (طبرسی، الاحتجاج ۱۳۸۶: ۱/ ۷۵؛ سید بن طاووس، التحصین ۱۴۱۳: ۵۹۳؛
مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۳۷/ ۲۰۹).

در حدیثی دیگر از آن حضرت چنین آمده است:

«فمن عمی علیه من علمه شیئی لم یکن علمه منی و لاسمعه فعلیه بعلی بن
أبی‌طالب(ع) فانه قد علم کما قد علمته ظاهره و باطنه و محکمه و متشابهه (مجلسی،

همان: ۲/۲۶۰-۳۱۶/۲۲؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعة ۱۳۹۹: ۱/۴۸۴) هر کس چیزی از دانش قرآن که از من نیاموخته و نشنیده است، بر او پوشیده شود، باید به علی بن ابی طالب (ع) رجوع کند؛ زیرا او ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن را همان گونه که من می دانم، می داند.»

در کلام دیگری از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «ان الله - عزوجل - انزل علی القرآن و هو الذی من مخالفه ضل و من ابتغی علمه عند غیر علی هلك (صدوق، الامالی ۱۴۱۷: ۱۲۲، مجلس ۱۵، حدیث ۱۱؛ سید بن طاووس، التحصین ۱۴۱۳: ۵۹۹؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۱۴۸/۹۴، حدیث ۱۰)؛ به راستی خدای - عزوجل - قرآن را بر من نازل کرده است و آن چیزی است که هر کس با آن مخالفت کند، گمراه شده و هر کس علم آن را نزد غیر علی (ع) طلب نماید، هلاک شده است.»

اما نمونه روایاتی که دلالت می کنند خدای متعال همه دوازده امام معصوم را مفسران وحی خود قرار داده و آنان مفسران برگزیده خدا هستند، چنین است:
در روایتی طولانی از رسول خدا (ص) چنین آمده است:

«... الا و ان الله نظر نظرة ثانية فاختر بعدنا اثني عشر وصياً من اهل بيتي فجعلهم خيار امتي واحداً بعد واحد مثل النجوم في السماء، كلما غاب نجم طلع نجم هم ائمة هداة مهتدون... خزان علمه و تراجمه و حیه (سلیم بن قیس بی تا: ۳۰۸؛ مجلسی، همان: ۲۲/۱۴۹ - ۱۵۰)؛ توجه! همانا خداوند بار دوم نظر کرد و بعد از ما دوازده وصی از اهل بیتم را برگزید. پس آنان را برگزیدگان امتم یکی پس از دیگری قرار داد مانند ستارگان در آسمان که هرگاه ستاره ای پنهان شود، ستاره ای طلوع می کند. آنان امامان هدایت کننده هدایت یافته اند...؛ خزینه داران علم خدا و تفسیر کنندگان وحی اویند...»
از امام علی (ع)، ضمن روایتی طولانی در توصیف گروهی از مسلمانان که

هدایت یافته و اهل نجات‌اند، چنین نقل شده است: «و استیقنت یقیناً لایخالطه شك إني أنا و أوصيائي بعدى الى يوم القيمة هداة مهتدون الذين، قرنهم الله بنفسه و نبیه فی آی من كتاب الله كثيرة، و طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء على خلقه و حجته فی ارضه و خزانه على علمه و معادن حکمته و تراجمه و حیه و جعلنا مع القرآن و القرآن معنا لانفارقه و لا يفارقنا حتى نرد على رسول الله(ص) حوضه (سليم بن قيس بی تا: ۱۶۹؛ مجلسی، همان: ۱۵ / ۲۸)؛ (آن گروه هدایت یافته) یقین دارند، یقینی که هیچ شکى به آن آمیخته نیست، که من و اوصیای من بعد از من هدایت کنندگان هدایت یافته‌اند؛ کسانی هستند که خدا آنان را در آیه‌های فراوانی از کتابش قرین خود و پیامبرش قرار داده است؛ و ما را (از هر گناه و خطا) پاکیزه و مصون ساخته و گواهان بر خلقش، حجتش در زمینش، خزانه‌داران علمش، معدنهای حکمتش و مترجمان وحیش قرار داده است. ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده (به گونه‌ای که) از قرآن جدا نمی‌شویم و (قرآن نیز) از ما جدا نمی‌شود تا بر رسول خدا(ص) در کنار حوض آن حضرت وارد شویم...»

از امام باقر(ع) نیز روایت شده است: «همانا خداوند متعال چهارده‌هزار سال پیش از خلقت آدم(ع) چهارده نور را از نور عظمت خود آفرید و آن روحهای ماست. گفتند: ای پسر رسول خدا، آن چهارده نور چه کسانی هستند؟ نام آنان را بیان کن. فرمود: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه نفر از فرزندان حسین و نهمین آنان قائم آنان است... به راستی خدای متعال ما را آفرید، پس خلقت ما را نیکو قرار داد... و ما را چشم خود بر بندگانش... و خزینه‌داران علم خود و مترجمان وحی‌اش قرار داد. (حلی، المحاضر ۱۴۲۴: ۱۲۹؛ مجلسی، همان: ۴ / ۲۵ - ۵).

از ابو‌خالد قماط روایت کرده‌اند: از امام صادق(ع) پرسیدم: منزلت شما از جانب پروردگارتان چیست؟ فرمود:

«حجته علی خلقه... و تراجمه وحیه (صفار، بصائر الدرجات ۱۴۰۴: ۸۲، مجلسی، همان: ۲۴/۲۶، حدیث ۱۷)؛ حجت خدا بر خلق او... و مترجمان وحی او هستیم.»
این گونه روایات فراوان است^(۳) و افزون بر اینکه از کثرت آنها اطمینان به صدور آنها حاصل می شود، سند بعضی از آنها نیز معتبر است مثلاً: حدیثی که بیانگر پرسشهای خداوند متعال از پیامبر (ص) در صحنه قیامت است، راویان سند آن در تفسیر القمی: ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب، محمد بن نعمان و ضریس اند که همه ثقه اند هستند (ر.ک: تجلیل، معجم الثقات ۱۴۰۴: ۵، رقم ۳۰، ص ۳۷ رقم ۲۳۱، ص ۶۵ رقم ۴۲۷، ص ۱۱۳ رقم ۷۵۹).

روایت ابو خالد قماط را نیز محمد بن حسن صفار از ابراهیم بن اسحاق و او از عبدالله بن حماد و او نیز از قماط نقل کرده است. وثاقت صفار، مؤلف کتاب بصائر الدرجات، روشن است. ابراهیم بن اسحاق نیز ظاهراً همان ابراهیم بن اسحاقی است که شیخ طوسی او را از اصحاب امام هادی (ع) به شمار آورده و با کلمه «ثقة» بر وثاقتش گواهی داده است (طوسی، رجال الطوسی ۱۳۸۰: ۴۰۹). عبدالله بن حماد نیز عبدالله بن حماد انصاری است که نجاشی با عبارت «من شیوخ أصحابنا» به عظمت او اشاره کرده است (نجاشی، رجال النجاشی بی تا: ۱۵۱). ابو خالد قماط نیز پزید قماط است که نجاشی او را توثیق کرده است (نجاشی، همان: ۳۱۴). بنابراین، سند این روایت نیز معتبر و قابل اعتماد است.

۲. گستره دانش تفسیری مفسران برگزیده خدا بعد از پیامبر (ص)

اختلافی وجود ندارد که امیر مؤمنان (ع) مفسر قرآن بوده و قرآن را تفسیر می کرده است. و تفسیرهای فراوانی نیز از وی در کتابهای شیعه و سنی نقل شده است.

ابن کثیر با چند سند روایت کرده است که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) در بالای منبر

کوفه فرمود: درباره هر آیه‌ای از کتاب خدا و هر سستی از رسول خدا (ص) از من پرسید شما را به آن آگاه می‌کنم. ابن کواء برخاست و گفت: یا امیر المؤمنین، معنای «والذاریات ذرواً» چیست؟ فرمود: باد است. گفت: «والحاملات و قرأ» (معنایش چیست)؟ فرمود: ابر است. گفت: «فالجاریات یسراً»؟ فرمود: کشتیهاست. گفت: «فالمقسمات امراً»؟ فرمود: فرشتگان است (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ۱۴۱۵: ۴/۲۴۸).

از ابن عباس نقل شده که (امام) علی (ع) به من فرمود: وقتی نماز عشاء را به جا آوردی در صحرا به نزد من آی. نماز خواندم و به محضر آن حضرت رسیدم. شبی مهتابی بود. به من فرمود: تفسیر «الف» «الحمد» و همه «الحمد» چیست؟ چیزی نمی‌دانستم که پاسخ دهم. پس یک ساعت تمام در تفسیر آن سخن گفتم. بعد فرمود، تفسیر «لام» «الحمد» چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. در تفسیر آن نیز یک ساعت تمام سخن گفتم. سپس فرمود: تفسیر «حاء» «الحمد» چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. در تفسیر آن هم یک ساعت تمام سخن گفتم. بعد فرمود تفسیر «میم» «الحمد» چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. پس در تفسیر آن تا سپیده دم سخن گفتم و به من فرمود: ابن عباس برخیز و به منزلت برو و برای فریضات مهیا شو. ابن عباس می‌گوید: برخاستم، در حالی که همه آنچه را فرموده بودم فرا گرفته بودم. سپس با خود اندیشیدم در این هنگام علم خود را به قرآن در برابر علم علی (ع) مانند قراره (آبی که در دیگ بریزند تا طعام ته دیگ نسوزد) در برابر مشعجر (وسط دریا) یافتم (مجلسی، همان: ۱۰۵/۹۲).

گاهی نیز آن حضرت با قراردادن برخی آیات در کنار آیات دیگر، نکته‌ای را استنباط می‌کرد که دیگران از فهم آن ناتوان بودند. به عنوان نمونه روایت کرده‌اند که آن حضرت از آیه «... و حمله و فصالة ثلثون شهراً...» با در نظر گرفتن آیه «والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین» استنباط کرد که دوران بارداری زن می‌تواند شش ماه باشد و با این استنباط زنی را که شش ماه پس از ازدواج بچه

آورده و محکوم به کیفر زنا شده بود تبرئه کرد (جویزی، نورالثقلین ۱۴۱۲: ۵/۱۴، حدیث ۹).

سایر مفسران برگزیده خدا نیز هرچند موانع و مشکلاتی برای بروز و نشر علم آنان وجود داشته، ولی به مقداری که زمینه برایشان فراهم بوده آیات قرآن را تفسیر می کرده‌اند.

- در تفسیر آیه «و شاهد و مشهود» (بروج: ۳) از امام حسن (ع) روایت شده است که فرمود: شاهد محمد (ص) و مشهود روز قیامت است. آیا نشنیده‌ای که خدای سبحان می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵) و فرموده است: «ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لِهَ النَّاسِ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ» (هود: ۱۰۳) (نک: طبرسی، مجمع البیان ۱۴۱۵: ۴۶۶/۵-۴۶۷).

در تفسیر «الله الصمد» از امام حسین (ع) روایت شده است که فرمود: «الصمد الذي لا جوف له، والصمد الذي قد انتهى سؤدته و الصمد الذي لا يأكل و لا يشرب و الصمد الذي لا ينام و الصمد الدائم الذي لم يزل و لا يزال (صدوق، التوحيد بی تا: ۹۰)؛ صمد کسی است که میان تهی نیست و صمد کسی است که آقایی اش به نهایت رسیده است صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد و صمد کسی است که نمی خوابد و صمد آن هستی دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود.»

تفسیر «الذي جعل لكم الارض فراشا» (بقره: ۲۲) از امام سجاد (ع) (همان: ۴۰۴)، تفسیر «وإذا ضربتم في الارض فليس عليكم جناح أن تقصروا من الصلوة» (نساء: ۱۰۱). از امام باقر (ع) (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن ۱۴۱۲: ۳۱۵/۲)، تفسیر «هو الاول والاخر» (حدید: ۳) از امام صادق (ع) (کلینی، اصول الکافی ۱۴۱۳: ۱/۱۶۹)، تأویل «قل أرءیتم إن أصبح مأواکم غورا فمن یأتیکم بما ینعین» (ملک: ۳۰) از امام

کانظم(ع) (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۳: ۲۴/۱۰۰ و ۱۵۱/۵۱)، تفسیر «وجاء ربك والملك صفا صفا» (فجر: ۲۲) از امام رضا(ع) (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن ۱۴۱۲: ۸/۲۸۲) تفسیر «وما اهل به لغیر الله» و فرازهای دیگری از آیه ۱۷۳ سوره بقره، از امام جواد(ع) (صدوق، من لایحضره الفقیه ۱۴۱۳: ۳/۲۱۶ - ۲۱۷)؛ (طوسی، تهذیب الاحکام ۱۳۶۵: ۹/۸۳)؛ تفسیر «فان كنت فی شك مما أنزلنا إلیك فسئل الذین یقرءون الکتب من قبلك» (یونس: ۹۴) از امام هادی(ع) (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن: ۴۰/۵۴) تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم» (حمد: ۶) از امام حسن عسکری(ع) (صدوق، معانی الاخبار ۱۳۶۱: ۳۳) و تفسیر «فاخلع نعلیک إنک بالواد المقدس طوی» (طه: ۱۲) از امام زمان(ع) (صدوق، کمال الدین بی تا: ۲/۲۶) و نمونه‌ای از تأویل و تفسیرهای سایر مفسران برگزیده خداست. تفسیر و تأویلهای فراوانی از آن بزرگواران به خصوص امام صادق، امام علی، و امام رضا(ع) رسیده است که در این مقاله نمی‌توان حتی به مصادر آنها اشاره کرد.

از خبری که در آغاز تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) نقل شده است به دست می‌آید که امام حسن عسکری(ع) مدت هفت سال هر روز به دو نفر از شیعیان خود به نامهای ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیار تفسیر قرآن تعلیم می‌داده و امام صادق(ع) نیز به همین مقدار به یکی از اصحابش تفسیر آموخته است. (عسکری(ع)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری ۱۴۰۹: ۱۷-۱۳).

البته باید توجه داشت، تفسیر و تأویلهایی که در کتابهای تفسیری و روایی از آن بزرگواران نقل شده، بخشی از تفسیر و تأویلهای آنان است و بخش عظیمی از آثار تفسیری آنان به دست ما نرسیده است. مصحف امام علی(ع) که مشتمل بر تفسیر و تأویلهای تلقی شده از رسول خدا(ص) بوده است (نک: بابایی، مکاتب

تفسیری (۱۳۸۱: ۵۹-۶۳)، کتاب الباقر (ع) که ابن ندیم در صدر کتابهایی که در تفسیر قرآن تألیف شده از آن خبر داده است (نک همان: ۱۰۰-۱۰۲) و تفسیری ۱۲۰ جلدی به املای امام هادی (ع) یا امام عسکری (ع) که ابن شهر آشوب در شرح حال حسن بن خالد برقی به آن اشاره کرده است (نک: همان: ۹۸-۱۰۰)، نمونه‌هایی از آثار تفسیری نرسیده به دست ماست. با نگاهی دقیق‌تر باید گفت، نسبت تفسیرهای آنان با آنچه از آنان نقل شده، عموم و خصوص من وجه است، زیرا بخش عظیمی از تفسیرهای آنان به ما نرسیده و بخشی از آنچه از آنان نقل شده سند معتبری ندارد و قطعی و محرز نیست که از تفسیرهای آنان باشد. ولی با این حال، در بین آثار تفسیری نقل شده از آنان تفسیرهای عمیق و دقیقی دیده می‌شود و با توجه به آثار تفسیری نقل شده از آنان پی می‌بریم که در ابعاد و زمینه‌های مختلفی تفسیر را تعمیق و توسعه می‌دهاند که از جمله آنها می‌توان به تفصیل معارف و احکام، تبیین تاریخ امم پیشین، بیان تأویل و رموز آیات اشاره کرد.

نکته دیگری که نباید از آن غفلت شود این است که دانش و توان تفسیری آنان از آثار تفسیری نقل شده از آنان و حتی از تفسیرهایی که بیان کرده‌اند و به ما نرسیده است. بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر بوده است. زیرا افرادی که توان تحمل دانش آنان را داشته باشند نمی‌یافته‌اند و زمینه برای تعلیم و نشر دانشهای عمیق و دقیق آنان فراهم نبوده است. شاهد بر این مدعا، افزون بر روایاتی که از گستره و عمق معانی و معارف قرآن کریم و علم آنان به همه آن خبر می‌دهد^(۱) برخی از روایاتی است که با صراحت از فراهم نبودن چنین زمینه‌ای خبر می‌دهد. به عنوان نمونه از امام باقر (ع) روایت شده که پس از بیان برخی از رموز و دقائق معنای «الصمد» فرمود:

«لو وجدت لعلمی الذی آتانی الله عزوجل حملة لنشرت التوحید و الاسلام و الایمان و الذین و الشرایع من الصمد. و کیف لی بذلك و لم یجد جدی امیر المؤمنین (ع) حملة لعلمه حتی کان یتنفس الصعداء، و یقول علی المنبر سلونی قبل ان تفقدونی فان

بین الجوانح منی علما جما، هاه، هاه الا الا اجد من یحمله...» (مجلسی، همان: ۳/ ۲۲۵)؛ اگر برای دانشی که خدای عزوجل به من عطا فرموده حاملانی می‌یافتم، توحید، اسلام، ایمان، دین و همه احکام شرعی را از «الصمد» استنباط و منتشر می‌کردم. چگونه برای من چنین چیزی باشد و حال آن که جدم امیرمؤمنان(ع) نیز حاملانی برای علمش نیافت تا اینکه آه عمیقی کشید و بر روی منبر می‌گفت: پیش از آنکه مرا نیابید از من بپرسید. به راستی در سینه من دانش فراوانی است. افسوس! افسوس! کسی که بتواند آن را فرا گیرد، نمی‌یابم!»

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم پس از رسول خدا(ص) دوازده نفر از اهل بیت آن حضرت مفسران برگزیده خدا هستند و هر معنایی را که برای آیات بیان کنند حق و عیناً همان معنایی است که خدای متعال از آیات اراده فرموده است. دیگران حتی صحابه و تابعین همه معانی قرآن را نمی‌دانند، ولی ایشان به همه معانی قرآن آگاه هستند. دیگران در معنایی که بیان می‌کنند ممکن است خطا کنند، ولی آنان از خطا مصون هستند. بنابراین، برای پی بردن به معانی عمیق و پنهان قرآن باید به آنان رجوع کرد و از آثار تفسیری آنان بهره برد. روایات تفسیری فراوانی از آنان به ما رسیده است. اما باید توجه داشت که بخش عظیمی از تفسیرهای ایشان به ما نرسیده است و بخشی از آنچه به ما رسیده است نیز سند معتبر ندارد و حتی احتمال ساختگی بودن و تحریف برخی از روایات نقل شده از آنان متفی نیست. از این‌رو، در بهره‌گیری از آثار تفسیری آنان باید دقت کرد و آثار واقعی آنان را از غیر آنها شناخت.

پی‌نوشت‌ها

(۱). در کتاب کتاب الله و اهل البیت فی حدیث الثقلین که حدیث ثقلین از صحاح، سنن، مسانید و سایر مصادر اهل تسنن جمع‌آوری شده، متن حدیث ثقلین از بیش از ۱۶۰ کتاب اهل تسنن نقل شده است. برای آگاهی از نام آن کتابها به پانوشتهای کتاب یاد شده و فهرست مصادر آن رجوع شود

(۲). این حدیث را با عبارتهای دیگر در کتب ذیل بنگرید:

ترمذی، سنن الترمذی: ۶۲۱/۵، حدیث ۳۷۸ و ص ۶۲۲ حدیث ۳۷۸؛ ابن حنبل، مسند احمد بن حنبل: ۱۴/۳، ۱۷، ۲۶، ۵۹، ۱۸۱/۵؛ ابویعلی، مسند ابی یعلی ۱۴۱۰: ۲۹۷/۲، حدیث ۴۸؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة بی تا: ۱۸۴/۵؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ۱۴۱۵: ۱۳۷/۱۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری ۱۴۰۵: ۱۹۴/۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین بی تا: ۲۳۴، باب ۲۲، احادیث ۴۴-۶۲؛ ابن ابی شیبہ، المصنف ۱۴۰۹: ۴۱۷) و بسیاری از کتابهای دیگر.

(۳). برای اطلاع از نمونه‌های دیگری از این دسته از روایات: ر.ک: مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۲۵/۲۴، ۵/۱۲، ۲۶۲/۲۶، ۲۰۶/۹۷؛ عاملی، الصراط المستقیم ۱۳۸۴: ۳۰۲/۱؛ حلی، العدد القویة ۱۴۰۸: ۱۷۴؛ صدوق، معانی الاخبار ۱۳۶۱: ۳۵).

(۴). یکی از روایات روایتی است که کلینی (ره) با سند صحیح از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: «کتاب الله نبأ ما قبلکم و خبر ما بعدکم و فصل ما بینکم و نحن نعلمه» (کلینی، اصول الکافی ۱۴۱۳: ۱۱۳/۱، باب الرد الی الکتاب و السنه، حدیث ۹؛ برای دیدن نمونه‌های دیگری از آن روایات ر.ک: همان، احادیث ۶، ۷، ۵، ۲، ۱، ج ۲، ص ۵۷۴، کتاب فضل القرآن، حدیث ۳).

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۶. ابویعلی، احمد بن علی، مسند ابویعلی، بیروت، دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۰ ق.
۷. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، تهران، سمت، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۸. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعہ، قم، المطبعه العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
۱۱. تجلیل، ابوطالب، معجم الثقات، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۰۴ ق.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بی جا، دارالفکر، بی تا.
۱۳. جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ ق.

۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، المطبعة العلمية، بی تا.
۱۶. حر عاملی، وسائل الشیعة، تهران، مكتبة الاسلامیة، ۱۳۷۶.
۱۷. حلی، حسن بن سلیمان، المحتضر، بی جا، المكتبة الحیدریة، ۱۴۲۴ق.
۱۸. حلی، علی بن یوسف، العدد القویة، قم، مكتبة آیت الله المرعشی، ۱۴۰۸ق.
۱۹. حوزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۲۰. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، بیروت، مؤسسه الأعلمی، بی تا.
۲۱. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بی جا، بی تا، بی تا.
۲۲. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۳. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، بی جا، بی تا، بی تا.
۲۴. سید بن طاووس، علی، التحصین، قم، دار الکتاب، ۱۴۱۳ق.
۲۵. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۶۸.
۲۶. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۲۷. صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ق.

۲۸. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

۲۹. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۴ ق.

۳۰. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة

المدرسين، بی تا.

۳۱. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.

۳۲. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق.

۳۳. صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، طهران، منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ ق.

۳۴. طبرسی، احمد بن ابی طالب، الاحتجاج، النجف الاشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق.

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی،

۱۴۱۵ ق.

۳۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۳۷. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، النجف الاشرف، منشورات المكتبة

والمطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ ق.

۳۸. عاملی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، بی جا، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۴.

۳۹. عسکری، امام حسن (ع)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (ع)، قم، مدرسة

الامام المهدي (ع)، ۱۴۰۹ ق.

۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مكتبة العلمیة الاسلامیة، بی تا.

٤١. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، مؤسسة دار الکتب، ١٤٠٤ق.
٤٢. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، دارالاضواء، ١٤١٣ق.
٤٣. لجنة التحقیق فی مسئله الامامة، مدرسة الامام باقر العلوم (ع)، کتاب الله واهل البيت فی حدیث الثقلین، قم، دلیل ما، ١٤٢٢ق.
٤٤. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الرفاء، ١٤٠٣ق.
٤٥. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مكتبة الداوری، بی تا.
٤٦. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.